

سلیمان لایق

## مضمون اساسی کاخ تغزل در لندی ها

زن و همراه با او زیبایی، عشق، وصال، جدایی، شکست و مرگ، خشت های بنیادی کاخ تغزل لندی را میسازد. در ادبیات شفاهی پشتو بخصوص لندی ها رفته رفته نقش احساس زن در بیان زندگی غلبه کرده و از لطافت، ظرافت و اندوه تاریخی زن انباشته شده است. علی الرغم قیود و سنن سختگیر جامعه قبیله سالار پشتون، زن در لندی کشش های غریزوی و شیفتگی های عاشقانه خود را وسیعاً بیان میکند و حدود معین قراردادی «پشتونولی»<sup>(۱)</sup> را می شکند.

«پشتونولی» که زن را از انتخاب جفت، حق مالکیت و رهبری جامعه کنار گذاشته است، اصل تساوی زن و مرد را انکار میکند و روی همین مبانی ابراز علائق عاشقانه را از سوی زن زشت و مغایر طهارت و حیثت دودمانی و قبیله‌ای خود میپندارد.

از اشعار شفاهی پشتو برمی آید که جنس مرد در آفرینش چنین اشعار برتری و تبارز بیشتر دارد و مردانند که در باره زندگی و پرداخت های هنری داد سخن میدهند حتی در باره زن، زیبایی و نازیبایی او ابراز نظر میکنند. لیکن در لندی ها با وصف آنکه مرد از قضاوت در مورد زن منع نشده است، زن خود حضو و سیع دارد و در مورد مرد جامعه

SPINTA

قبیلوی شکوه‌ها، اعتراض‌ها و دادخواهی خود را که هرگز در هیچ جا حق بیان آن نداشته است انعکاس می‌دهد. در مود شناسایی مرد، جهات مثبت و منفی او، صدا بلند میکند و خصلت‌های پسندیده او، چون شجاعت، اعتلای اخلاقی، وطن پرستی، زیبایی مردانه و گرمای عاشقانه، ستبری و توانمندی، غرور و رزش‌های واقعی او را می‌ستاید و آنرا طوری انعکاس می‌دهد که خود می‌بیند و احساس می‌کند.

هلکه ځه ډېر په نڅرو ځه

په لویو غرو څه چې شملي دي باد و هینه

ای جوان با ناز قدم بردار

بر کوه‌های بلند خام باد در شمله<sup>(۲)</sup> هایت پیچد

تر دې کږه پگړۍ دې جار شم

ترلی تا ده په خیال زه در سره ځمه

به این دستار کجت قربان شوم

بسته ای آنرا تو، اما خرام در من ایجاد میکند

څنې دې پریوتې پر ورو ځو

پتگی دې سم کړه په زرگی دی وویشته

موهایت بر ابروانت پریشان شده

دستارت را درست کن که بر قلبم زدی

SPINTEA

ماته‌په بریتوکی مسکی شو

موری را و کره اوس د صبرتا ویزونه

بسویم در سبیل های خود تبسم کرد

مادر اکنون تعویذ های بر برایم فراهم کن

باد دې پتگی له سره یوسه

چې دا خیالی خنې دې گډې وږې شینه

باد دستارت را از سرت گیرد

گیسوی خیال انگیزت در هم بیچد

در تصویر کشی لندی های بالا ذوق زیبا پسندی زن روستایی در مورد نمادها و جلوه های مرد به وضوح و روشنی خود را نشان میدهد. زن درین نمونه ها «دستار کج بسته شده»، «موهای آویخته بر ابروان»، «تبسم مردانه زیر سبیل» و «راه رفتن قشنگ» مرد را می ستاید و آنرا به حیث خصوصیات زیبایی و جهات امتیاز او به تصویر میکشد.

علی الرغم تغزل در اشعار فلکلوری دیگر مشابه، که ذهن مرد را مورد تصویر کشی از زن ارائه میکند، ویژگی تغزل لندی آن است که دریافت های زن را از مرد و زن تصویر می کشد و دریافت های زنانه را در تخیل زیبایی و درک های عاشقانه و بکاربرد مبالغه و سیعاً وارد میکند. لندی های زیر مثال هایی از نمونه های تغزل زنانه در مورد مرد است.

SPINTEA

سرپه کره خنگله کپرده

مخ می راستون کره بنکولوه شینکی خالونه

سرت را بر آرنج خمیده ام بگذار

رویم رت به خود باز گردان و خال های سبزم را ببس

له مانه خوب کی خولگی واخله

له پیغلتوب نه ارمانی را غلی یمه

مراهنگام خواب ببوس

من از جوانی به ابن ارمان آمده ام

په لاره تلم مرای گل پروت و

ماد خوانی لوبی پری کری تازه می کنه

در راه گل پژمرده ای یافتم

با بازی جوانانه تازه اش کردم

دغره لمنه راته نیسه

زه جنکوسره غا تو لو پسپی خمه

دامن کوه را بر من بگیر

من با دختران په چیدن لاله ها آنجا میروم

خوله می دخت له لوری واخله

چی خماری سترگی په ناز دروا رومه

دهانم را از عقب ببوس

تا چشمان خماری خود را به ناز سویت بر گردانم

SPINTEA

تینگه مې ونیسه په غیرگ کې

ماد بیاتون په سړوبی لمبلی دینه

مراتنگ در آغوشت گیر

که در سردابه جدایی آبتنی کردم

در لندی های زنانه تمام آنچه موجب جذب ز جلب توجه مرد قرار میگیرد چون گیسو، ابرو، چشم، لب، میان، کرشمه ها و اداهای زنانه با شیوه های زیبا و لطیف شاعرانه قالب بندی و تصویر گیری شده است. زن در لندی به تمام و کمال یک زن است لاغیر و لندی آینه تمام نما صادق احساسات و درونمایه او.

جانانه جگه درته نشوم

تر پنبومې لاندې شوو د زلفونو تنابونه

دلدارم در برابرت برنخاستم

تنابهای زلفم پاگیرم شد

جانانه روغ به لیونی شی

که داو ریل د پاسه کېږدم زیر گلونه

دلدارم کاملاً دیوانه خواهی شد

اگر بر موهایم گلهای زرد بزنم

SPINTEA

یار مې په ټو که نه پوهېږي  
ما په خورو زلفو واهه مرور شونه  
دلدارم شوخی رانمی فهمد  
من بازلفهای باز اور زدم آزرده شد  
شونډو مې سرې سکرو تی راوړی  
شو ک چې د اور طاقت لري خولگی دې خورینه  
لبه ایم اخگر سر بار آورده اند  
کسی که تاب آتش دارد لب بر لبم بگذارد  
د سهر باده لېر سو که څه  
زه گاه گوي خنې تر یاره رسومه  
باد سحر آهسته تر رو  
من گیسوان پیچیده را تا دلدار میرسانم  
جانان په زین کې راته کور شو  
د خپنسو گوتې لگوم خوله ور کومه  
دلدارم در زین بسویم خمید  
بر انگشتان پا بلند می شوم به او بوسه میدهم

در لندی های بالا زن مدهوش زیبایی خود شده می خواهد چنان  
جلوه هایی از او تبارز دهد که چشم جنس مقابل را در آن خیره سازد. زن  
در حیط «پشتونولی» تنها همین سلاح برنده (جاذبه زنانگی و اداهای  
عاشقانه) را در اختیار دارد و آنرا به صورت مؤثر علیه مرد مسلط جامعه  
قبائلی به کار برده میتواند. روی همین امکان به حیث موجود دلکش و

محبوب گیسوان، زنخدان، چشم درشت، گردن افراشته، جوانی، جاذبه و شیدایی خود را به ستایش میگیرد مرد را بسوی آن فرامیخواند و مفتون خود میسازد. مرد نیز زن را در لندی هاتا سرحد مبالغه ستوده است و حتی زن را در لندی های مردانه مضمون اساسی تغزل قرار داده است. خصوصیت لندی های زنانه در آنست که ن در مورد خود در کنها و احساس خود را بیان میکنند و در ایجاد کاخ بلند تغزل به مرد یاری میرساند. و با این تصرف و سهم گیری در آفرینش هنری زیبایی و جاذبه از نظر افتاده مرد را در تکمیل تغزل به کار میبرد و کمبود هنری آنرا بر طرف می سازد.

SPINTEA

- 
- ۱- پشتونولی: سیستم مسلط حقوقی و اخلاقی پشتونهاست. مراجعه شود به مقدمه نگارنده بر کتاب (د افغانستان برخه لیک او ختیغ پښتانه) نگارش دکتر محمد وارث وزیر.
  - ۲- شمله: شف که جمع آن شف هاست. آن انجام دستار را گویند که بر مندیل برافراشته گذاشته میشود و در پشتون ها علامت شرف و افتخار است.